

# فراز و نشیب های کارآفرینی و کار و ارتباط آن با آموزش عالی

دکتر عظیم ساحتی مهر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

## چکیده :

دنیای امروز دنیای دانش و اطلاعات است. کشورهایی که انسان را محور توسعه قرار داده و در افزایش دانش و مهارت های نیروهای انسانی در جامعه تلاش و برنامه ریزی کرده اند هم اکنون در رده پیشگامان در علم و تکنولوژی قرار گرفته و محصولات متنوع را با هزینه های کم و با کیفیت مطلوب به بازارهای جهانی گسیل میدارند و روز به روز به توانمندیهای اقتصادی افزوده و از این طریق نیز توانسته اند در کم کردن بیکاری و فراهم آوردن امکانات برای اشتغال به موفقیت های لازم دسترسی پیدا کنند. در اکثر ممالک در حال توسعه پرداختن به صنعت و صنعتی شدن بدون داشتن نگرش سیستمی به موضوع صورت پذیرفته و با انتقال تکنولوژیهای از رده خارج شده نه تنها امکان رسیدن به جایگاه مطلوب در عرصه های تجارت و رقابت امکان پذیر نگردیده بلکه در پرداختن به خود کفائی ، تولید برای مصارف داخلی نیز مواجه با اشکالات عمده گردیده است که در صورت گرایش به WTO یا سازمان تجارت جهانی امکان به بن بست رسیدن و حتی در ریسک قرار گرفتن سرمایه گذارهای به عمل آمده و مشاغل موجود نیز محتمل میباشد که توجه به این امر مهم را در مقطع زمانی فعلی از هر نظر در اولویت قرار میدهد.

واژه های کلیدی : مدیریت - آموزش - نگرش سیستمی - کارآفرینی - توسعه .

## ۱- مقدمه :

دانشگاهها مسئولیت مهم و سنگینی را در پرورش نیروهای تخصصی بعهدہ دارند و چنانچه در انتقال دانش و علم روز به نسل آینده مراکز علمی نتوانند به رسالت خطیر خود بدرستی جامه عمل بپوشانند مسلماً در آینده نه چندان دور نه تنها کمکی برای حل معضلات کار و بیکاری صورت نخواهد گرفت ، بلکه دانشگاهها ، خود نیز بعنوان یکی دیگر از مراکز اشاعه دهنده بیکاری مطرح خواهند گردید . دست اندرکاران و مدیریت های امروز در صنایع ، فارغ التحصیلان دیروز مراکز علمی و آموزشی میباشد لذا چنانچه توانمندیهای آنان به نحوی از نظر ضعف و نارسائیهها سوال برانگیز بوده و نیاز به بررسی داشته باشد ، در این صورت برای گشودن این کلاف سر درگم بایستی سرنخ را در یک طرف دیگر در سیستم آموزش عالی جستجو نمود که به علت عدم داشتن توانمندی در آشنا ساختن دانشجویان به علم و تکنولوژی روز ، نتوانسته اند آنان را در انجام وظایف محوله و رسیدن به اهداف از موفقیت های لازم برخوردار نمایند . مسلماً پرورش استعداد ها و هدایت آنها تنها به مقطع تحصیلی در آموزش عالی ارتباط پیدا نمی کند و عوامل متعددی در آموزش و توانمندسازی نیروهای انسانی در جوامع دخالت دارند که نباید از شناخت و پرداختن به آنها غافل بود و از این نظر است که جهان در حال توسعه بایستی قبل از حرکت در مسیر پر از فراز و نشیب توسعه با خردگرایی و نگرش سیستمی در فکر ساختن بستر مناسب برای توسعه با شناخت وضعیت موجود و داشتن نقشه راه برای رسیدن به وضعیت مطلوب باشد، تا بجای تکرار اشتباهات با برداشتن گامهای مثبت بتواند، در عرصه های رقابتی از جایگاه ویژه برخوردار شده و در زمینه کار و کارآفرینی نیز بموقعیت های لازم دسترسی پیدا کند.

## ۲- کار و کارآفرینی :

زندگی اجتماعی انسانها طلب می نماید که با تقسیم کار برای نیروهای انسانی در جوامع ، از تخصص های مختلف برخوردار شده و با تأمین نیازهای اولیه اقشار مختلف ، برای ارتقاء سطح زندگی بتوانند مازاد احتیاجات خود را نیز در بازارهای رقابتی بفروش رسانده و از مواد اولیه و یا فرآورده ها ملل دیگر نیز در قالب واردات بهره مند شوند . تراز بین صادرات و واردات به تخصص و مهارتهای خاص در هر حرفه و فن نیاز دارد و مسلماً تولیدات با هزینه کم و با کیفیت بالاتر

برای مطرح شدن در بازار عرضه و تقاضا می تواند از شانس بیشتری برخوردار شده و در توسعه بازار کار و کارآفرینی نیز از نقش تعیین کننده برخوردار باشد .

کارآفرینی در حقیقت تمرینی برای شروع کردن در سازمانهای جدید و یا نوسازی سازمانهای جا افتاده ، خصوصاً تجارت های جدید در عکس العمل در مقابل فرصت های مشخص شده می باشد . کارآفرینی اغلب یک مسؤلیت خطیری به شمار می رود زیرا که بیشتر کسب و کارهای جدید با شکست روبرو می شوند . فعالیتهای کارآفرینی اساساً نسبت به نوع سازمانی که شروع می شود تغییر می کند . کارآفرینی از نظر مقیاس می تواند از یک پروژه منفرد ، حتی از درگیری کارآفرین بصورت پاره وقت تا قبول مسؤلیت های بزرگ برای ایجاد فرصتهای شغلی زیاد متغیر باشد . شناخت از کار آفرینی بیشتر مدیون کار اقتصاددانی به اسم Schumpeter Joseph و اقتصاددان اتریشی آقای Ludwig Von Mises و Von Hayk است . به عقیده آقای Schumpeter ، ( ۱۹۵۰ ) یک کارآفرین کسی است که انگیزه و توانایی تبدیل یک ایده جدید یا اختراع را به نوآوری موفقیت آمیز داشته باشد . کارآفرینی تخریب خلاقانه را اعمال می کند به بازارها و صنایع و بطور همزمان محصولات و مدلهای جدید تجارت را به وجود می آورد . با این روش ، تخریب خلاقانه در مقیاس وسیع مسؤل و نیروی محرکه صنایع و رشد اقتصادی می باشد . علیرغم توسعه علمی آقای Schumpeter در اوایل قرن بیستم در این زمینه ، تئوری اقتصاد خرد معمول اقتصاد ، فضای محدودی برای کارآفرینان در چهار چوب تئوریک خود داشته است . با توجه به اینکه در مقابل، تصور می شود که منابع از طریق سیستم قیمت ها می توانند به یکدیگر برسند . ( ۱ )

در نظر دانشمندانی نظیر آقای Frank H. Kinght ، ( ۱۹۶۷ ) و Peter Drucker ( ۱۹۷۰ ) کارآفرینی یک نوع ریسک پذیری است . رفتار یک کارآفرین منعکس کننده شخصیت فردی است که علاقمند به گذاشتن امنیت شغلی و سرمایه ای خود در یک جریانی تحت عنوان ایده ای جدید و صرف کردن وقت و سرمایه زیاد در یک کاری که اطمینان کافی برای آن وجود ندارد ( ۲ ) و ( ۳ ) .

عمل کارآفرینی اغلب با عدم اطمینان واقعی همراه است ، خصوصاً وقتی که هدف پدید آوردن یک چیز کاملاً جدید به جهان باشد ، در شرایطی که برای آن اصلاً بازار وجود نداشته است . به عنوان مثال در این زمینه قبل از اینترنت ، به تجارتهای جانبی آن نظیر آمازون ، گوگل ، یاهو و غیره میتوان اشاره کرد که کسی در این رابطه از آنها اطلاعاتی نداشت . فقط بعد از ظهور اینترنت بود که مردم فرصت ها و تجارت در این تکنولوژی را توانستند ملاحظه بکنند . معهدا ، با وجود مطرح بودن نوعی از تجارت ، باز اطمینان کافی برای یک بازیگر دیگر در صحنه برای ابراز وجود نمی تواند باشد و سئوالی که مطرح می شود این است که آیا بازاری وجود دارد ؟ و این بازار برای فعالیت مناسب است ؟

کارآفرینان بیشتر صفات رهبران را دارا می باشند . تئوریهایی بر مبنای مشخصات کارآفرین بطور فزاینده مورد توجه و سئوال می باشد . کارآفرینان اغلب در نقطه مقابل مدیران که بیشتر علاقمند به انجام کارها با روشهای معمولی و کمتر ریسک پذیر می باشند قرار دارند . مطالعه منابع بسیاری در رابطه با شخصیت کارآفرینان نشان داده است که آنان برخوردار از خصوصیات ویژه ای می باشند .

در رابطه با خصوصیات کارآفرینان آمده است که : یک فرد کارآفرین یک نگرش کنجکاوانه دارد که نیروی محرکه برای موسسه میتواند محسوب گردد . در نگرش کارآفرین مجموعه ای از ایده ها است که در دسترس بازار نیست . کارآفرین نگرش را بسط می دهد و احساس کاوشگرانه دارد . به علت خستگی ناپذیری و قاطعیت در عزم وارده ، کارآفرین تلاش می کند با توسعه استراتژی ، نگرش را به واقعیت تبدیل کند . کار آفرین مسؤلیت اولیه را می پذیرد تا دیدگاه به موفقیت مبدل گردد . کارآفرین ریسک را میپذیرد ، هزینه ها ، بازار و نیازهای مشتری را برآورده می کند و دیگران را هم برای مشارکت و کمک متقاعد میسازد . یک کار آفرین معمولاً یک متفکر و تصمیم گیر مثبت است. کارآفرینان بازارهای جدید بوجود می آورند و در مفهوم جدید بازرگانی، بازارها مردم هستند که علاقمند و قادر هستند نیازهای همدیگر را برآورده سازند، در اقتصاد این تقاضای موثر نامیده می شود. کارآفرینان منابعی غنی و خلاق هستند آنها می توانند پدید آورند، مشتری و یا خریدار باشند. این صفت کارآفرینان را از تجارت کنندگان عادی که اعمال سنتی مدیریت نظیر برنامه ریزی، سازماندهی و هماهنگی را انجام می دهند متمایز می سازد. کارآفرینان محل جدید مواد اولیه را کشف می کنند و به دلیل صنعت خلاقانه شان در کشف منابع اولیه جدید اصرار می ورزند تا موسسه خود را توسعه دهند. در تجارت کسانی که بتوانند منابع

جدید اولیه را توسعه دهند، از مزایای رقابتی از جنبه های صدور، هزینه و کیفیت استفاده کرده و در موقعیت بهتری قرار می گیرند، کارآفرینان عوامل اصلی تولید نظیر زمین، نیروی کار و سرمایه را سازماندهی و هماهنگ می کنند. آنها با ادغام این عوامل تولید، خدمات و محصولات جدید بوجود می آورند. منابع سرمایه ای از یک دیدگاهی ممکن است اشاره به پول داشته باشد معهذاً در اقتصاد منابع سرمایه ای با ماشین آلات، ساختمان، و سایر منابع فیزیکی تولید کننده معرفی می شود. کارآفرینان با جمع و سازماندهی منابع سرمایه ای تجارتهای جدید و توسعه در تجارت را موجب می گردند. تکنولوژیهای جدید، کارخانجات و محصولات جدید از طریق آنان بکار گرفته می شود و یک چنین روحیه ای به مدرن شدن اقتصاد کمک می نماید. کارآفرینان اشتغال بوجود می آورند و مهمترین بخش اشتغال آور بخش خصوصی است. میلیون ها شغل در کارخانجات، صنایع خدماتی، بخش کشاورزی و در برخی از صنایع کوچک بوجود می آید. فراهم بودن موقعیت برای اشتغال زیاد در مفهوم درآمد بیشتر است و از این طریق تقاضا برای کالاها و خدمات نیز بیشتر می گردد که همزمان تولید بیشتر نیاز به تولیدات افزونتر و اشتغال زیاد تر را طلب می نماید. همچنانکه ملاحظه می گردد کارآفرینی در حقیقت موتور محرکه اقتصاد است لذا کشورهاییکه در بستر سازی برای کشف استعدادها و شناخت کارآفرینان توانسته اند به موفقیت های لازم دسترسی پیدا بکنند در مقایسه با دیگر کشورها سطح زندگی بهتری را برای اقشار مختلف در جامعه خود فراهم آورده اند.

### ۳- جهانی شدن، تخصص گرایی و اشتغال:

توسعه در زمینه های IT پیشرفتهای خارق العاده ای را در زمینه های ارتباطات و گردش اطلاعات بوجود آورده است که شاید یک قرن پیش حتی تصور آن نیز نمیتوانست غیر ممکن باشد. ایده های جدید در کمترین زمان ممکن به میدان عمل و اجرا کشیده می شوند و تکنولوژیهای جدید، محصولات و تولیدات قبلی را از صحنه رقابت خارج کرده و در نتیجه با ورود تولیداتی با هزینه کمتر و با کیفیت بیشتر، تولیدات قبلی به بوته فراموشی سپرده شده و زمینه ابرای رقابتهای فشرده تر آماده می سازند. در عصر تغییر و تحول جایگاهی برای تولید با روشهای سنتی و مدیریت آن وجود ندارد. لذا هر سازمانی که در مقابل تغییر، انعطاف پذیر نباشد در مقابل تند باد دگرگونیها خرد شده و از صحنه رقابت کنار گذاشته خواهد شد. بعنوان مثال میتوان به محصولاتی نظیر کامپیوتر و موبایل در این زمینه اشاره کرد. در اکثر موارد عمر محصولات تولید شده در این رده از کالاهای تولیدی به کمتر از یکسال محدود شده و مزیت های محصولات جدید یعنی کیفیت بالاتر، امکانات بیشتر و هزینه مناسب به خارج شدن نسلهای قبلی آنها از دور رقابت می انجامد. در عصر حاضر دیگر دستیابی به اطلاعات مشکل عمده به حساب نمی آید بلکه کاربردی کردن اطلاعات است که نقش تعیین کننده در این زمینه دارد. مراکز تحقیق و توسعه در اعشاری از ثانیه از دورترین نقاط در اطراف عالم، اطلاعات را مبادله می کنند و در هر شاخه ای از علم تخصص گرایی افقهای گسترده و جدیدتری در فراروی پژوهشگران قرار میدهد. ایده ها با تکنولوژی ها در هم می آمیزد و به محصولات جدید مبدل گردیده و ضمن آوردن رفاه برای بشریت، شکوفائی در اقتصاد را هم به کشورهای تولید کننده محصولات به ارمغان می آورد. کاملاً روشن می باشد که در جهانی شدن اقتصاد، مسلماً کشورهایی در عرصه رقابت باقی می مانند که با هزینه کم در تولید محصولاتی با کیفیت مطلوبتر به موفقیت های لازم دسترسی پیدا کنند. تکنولوژیهای جدید شغل های جدید را هم پدید آورده اند و روزبروز هم با تنوع در تولید و تکنولوژیها اشتغالزایی در صنایع نیز بیشتر می گردد و در نتیجه این تغییر و تنوع در تولید وضعیت کشورهای در حال توسعه با تکنولوژیهای از رده خارج شده و روشهای سنتی تولید بیش از پیش بفرنج و پیچیده تر می گردد.

در اینجا نقش دانشگاهها در تربیت منابع انسانی در اولویت قرار گرفته و از اهمیت ویژه برخوردار می گردد. در منابع مختلف صحبت از دانشگاههای کارآفرین است. در نشریه فکر نوآمده است که کار آفرینی را در کل می توان ایجاد کسب و کارهای نوآورانه تلقی کرد. فعالدر کشور ما نظام آموزش دهنده دانشگاه ها افرادی را پرورش می دهند که فقط می توانند شکافهای شغلی بسیار تعریف شده را پر کنند و بنابراین باید حرکتی عظیم در راستای تولید کار آفرینان در دانشگاهها به عنوان قطب علمی کشور صورت گیرد که این به معنای اتصال دانشگاه با صنعت و فن آوری است. کار آفرینان باید فرصت شناس باشند نظام آموزشی دانشگاه مبتنی بر یادگیری نیست، آموزش مبتنی بر تعلیم است و این خود عاملی بر ای عدم پرورش افراد کار آفرین است (۴).

فرد کار آفرین کسی است که توانایی تشخیص و ارزیابی فرصت های کسب و کار دارد و می تواند منابع لازم را جمع آوری کرده و از آنها بهره برداری نموده و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی ریزی کند (۵). پدیده کار آفرینی ابعاد گسترده ای داشته ، گرد هم آوردن منابع تکنولوژیکی ، فنی و آموزشی و مالی را در بر دارد . دانشگاهها می توانند بخشی از فعالیت خود را به پرورش کار آفرینان تخصیص دهند . هر چند دانشگاه می تواند فقط به تولید و عرضه تکنولوژی و دانش بسنده کند و آن را در اختیار دانشجویان و جامعه بگذارد ، اما این به معنای موفقیت نیست اگر این تکنولوژی بدست آمده را در جامعه بکار گیرد و آن را در اختیار کار آفرینان بگذارد به معنای دیگر جنبه عملی این تکنولوژی را نیز خودش تا حدودی عهده دار باشد ، به موفقیت علمی و عملی توأم دست یافته است . دانشگاه می تواند افق ها و فرصت های بهره وری تکنولوژی را برای افراد ترسیم نماید و آنها را در جهت استفاده هدایت کند . نگاهی که دانشگاه نسبت به تکنولوژی دارد نباید صرفاً خود تکنولوژی باشد بلکه کار آفرینی را در جهت استفاده بهینه و اشتغال زایی برای جوانان در بحث توسعه در نظر داشته باشد. جهانی شدن بازارها ، تشویق و پشتیبانی از کار آفرینی در کشور ها را به عنوان امری ضروری ساخته است . ایجاد مرکز و جایگاهی برای کار آفرینان که منابع تولید ثروت اند به سود جامعه است . ایجاد این مراکز ، انتقال تکنولوژی از دانشگاهها به بازار و استخدام دانشجویان خالق ایده است که به این سبب ایجاد این مراکز برای دانشگاهیان نیز سودمند است . یکی از ضرورت های ایجاد دانشگاه کار آفرین ایجاد سرمایه است . کار آفرینان برای عملی ساختن ایده های خود با مشکل مواجهند . از یک سو ، سرمایه داران بزرگ فرصت شنیدن ایده های کار آفرینان و پرداختن به کار های کوچک را ندارند و از سوی دیگر سرمایه های خود را صرف پروژه های کلان می نمایند در نتیجه وجود دانشگاه که نقش مرکز پشتیبانی از کار آفرینی را به عنوان پل ارتباطی بین کار آفرینان و سرمایه داران ایجاد می کند ، ضروری است . دانشگاه کار آفرین مکانی است که مشاغل جدید در آن خلق می شوند . این مراکز از افراد کار آفرین حمایت می کند. این حمایت شامل حمایت های آموزشی مالی و بازار یابی است . در نتیجه کار آفرینان امکان دسترسی به کتاب خانه ها ، آزمایشگاهها و غیره ... را پیدا می کنند .

در چنین دانشگاههایی برای سرمایه گذاران امکاناتی فراهم می شود تا مراکز جدید کسب و کار را فراهم آورند . با آنها همکاری می شود تا مشکلات آنها پیش بینی شده و از فرصت های بدست آمده استفاده کنند که خود تجربه ای ارزشمند در حیطه مالی و بازار یابی است .

دانشگاه کار آفرین باید به بازار دسترسی داشته و از تجارب افراد صاحب تجربه در بازار کمال بهره را ببرد ، همچنین وجود افراد توانا و شایسته ، علاقه مند و خلاق در چنین مجموعه هایی ضروری است . شرکتهای صنعتی که با یک دانشگاه کار آفرین در ارتباط باشند از مزایای فن آوری آن نیز بهره می جویند به این جهت فرآیند های علمی و صنعتی دانشگاهها باید تکمیل شده و ایجاد این شرکتها از دل پژوهشهای دانشگاهی رخ دهد . در این مجموعه ها دانشجویان باید مجموعه ای از دانش و مدیریت کار آفرینی را. توأم اموخته وبا امکانات لازم که دانشگاه در اختیار آنها قرار میدهد شروع به فعالیت در عرصه صنعت نمایند.

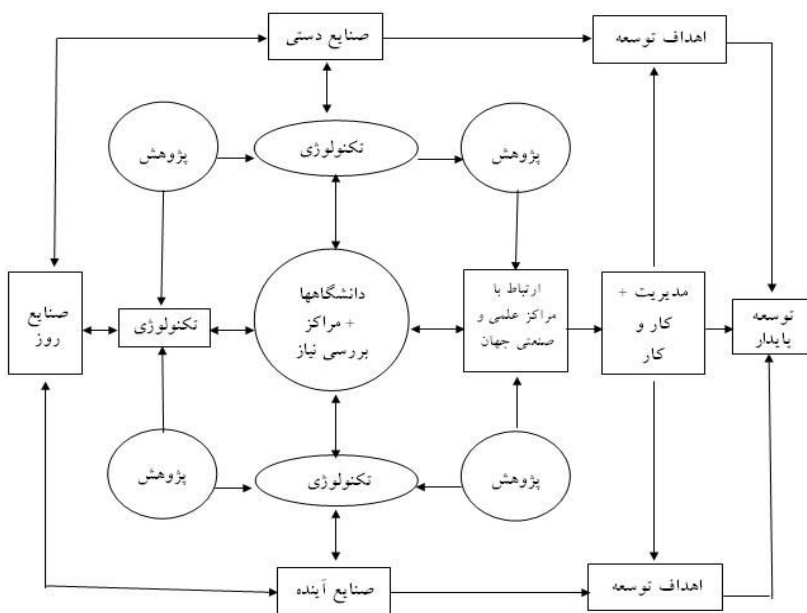
پرداختن به موضوع کار آفرینی و اشتغال وجود ارتباطات تنگاتنگ بین دانشگاه و صنعت را اجتناب ناپذیر می نماید . ولی بایستی به پذیریم که بیگانگی صنعت از دانشگاه و دانشگاه از صنعت و یا وجود ارتباط ضعیف بین سازمانهای علمی و صنعتی در ممالک در حال توسعه و از جمله در ایران نیازمند بررسیهای دقیق و همه جانبه بوده و نمی تواند بسادگی حرف ، در عمل نیز امکان پذیر باشد . برای ایجاد رابطه در مرحله نخست نیاز به رسیدن به تفاهم مشترک و درک توان و پتانسیلها در زمینه های علمی و صنعتی است . تکنولوژی در صنایع پیوسته در حال تغییر و دانشگاهها به علت فاصله گرفتن از آخرین پدیده های علمی ، در تأمین نیازها از آمادگی کافی برخوردار نیستند و حاکمیت چنین شرایطی معضلات عدیده ای را در همکاریهای فیما بین به وجود می آورد که با نگرش علمی و تخصصی می توان در حل مشکلات و حذف موانع موجود به موفقیت های لازم دسترسی پیدا کرد .

#### ۴- فراز و نشیب های کار آفرینی و کار و ارتباط آن با آموزش عالی :

شکافهای علمی و تکنولوژیکی موجود بین ممالک توسعه یافته و در حال توسعه از عوامل مهم و تأثیر گذار در مسائل مربوط به کار و کار آفرینی است . در دنیای بدون مرز و برخوردار از تبلیغات گسترده از طریق رسانه های صوتی و

تصویری چگونه می توان صنایع رقابتی بوجود آورد ؟ و چگونه دانشگاهها میتوانند نیروهای انسانی ماهر و تخصصی را برای اداره کردن آنها تربیت و تعلیم دهند ؟ طرح کردن این سئوالات ساده ولی پاسخ دادن به آنها فوق العاده مشکل می باشد . بررسیها نشان می دهد که صنایع ایران رقابتی نیستند و چنانچه ایران نیز به عضویت سازمان تجارت جهانی ( WTO ) درآید اکثر صنایع موجود به علت بالا بودن هزینه های تولید و پایین بودن کیفیت به بن بست رسیده و نیروهای کار موجود را نیز از کار ، بیکار و به خیل جویندگان کار اضافه خواهند کرد . در کتاب ایران و سازمان تجارت جهانی آمده است که : قیمت اتومبیل در ایران ۵ برابر بازار جهانی و قیمت بعضی از انواع پارچه تولید داخلی در ایران ۳ تا ۴ برابر قیمت بازار جهانی است . در صورتیکه ایران به عضویت این سازمان پذیرفته شود ، ما نمی توانیم بر واردات اتومبیل و پارچه تعرفه وضع کنیم و یا محدودیتی در جهت واردات آن اعمال کنیم بنابراین ، این دسته از کارخانجات یا تعطیل می شوند و یا باید هزینه تمام شده خود را آن قدر پایین آورند که با تولید کنندگان خارجی بتوانند رقابت کنند . عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنی حذف صنایع ناکارآمد است ( ۶ ) . پژوهش های دیگر در زمینه ، علاقمندی مصرف کننده گان به محصولات با مارکهای داخلی و خارجی موید این حقیقت است که خریداران ایرانی بیشتر مارکهای خارجی را به کالاهای داخلی ترجیح میدهند و در زمینه محصولات نظیر خودروهای تولیدی سایپا ، مطالعات انجام یافته نشان میدهد که مصرف کنندگان محصولات این شرکت ، از کیفیت محصول و از خدمات بعد از فروش آن ناراضی هستند . پرداختن به یک چنین واقعیت هایی اهمیت موضوع را بیش از پیش روشنتر می سازد و وظیفه مراکز آموزشی بویژه آموزش عالی را در تربیت نیروهای علمی و تخصصی سنگین تر می نماید . مسلماً علم و تکنولوژی محصولی نیست که بتوان آن را در یک دوره کوتاه مدت نظیر محصولات کشاورزی کاشته و برداشت نمود . موفقیت در صنایع و رقابتی کردن آن نیازمند نگرش سیستمی به موضوع بوده و برنامه ریزی های کوتاه ، میان مدت و استراتژیک را طلب مینماید . با توجه به محور بودن انسان در توسعه مسلماً تربیت نیروهای انسانی است که باید جوابگوی نیازها بوده و این مشکل بزرگ را با شناخت از کمیت و کیفیت آن در کمترین زمان ممکن شناسائی و به حل مسائل آن همت گمارد . چنانچه دانشگاهها بتوانند با کم کردن شکاف موجود در علم و تکنولوژی ، نیروهای جوان و متخصص کشور را آماده پذیرش مسئولیت های خطیر مدیریتی و تولیدی در صنایع رقابتی نمایند دراینصورت است که دانشگاه به دانشگاه کارآفرین و مدیریت در صنایع به مدیریت حائز شرایط و محصول نیز به محصول رقابتی تبدیل گردیده و اشتغال نیز در سطح گسترده ، از گسترش صنایع به وجود می آید .

نمودار شماره ۱



در نمودار فوق دانشگاهها با تشکیل کانون بررسی نیازها و مجهز شدن به آخرین پدیده های علمی و تکنولوژیکی که از طریق ارتباط با مراکز علمی و صنعتی فراهم می گردد در کوران تکنولوژیهای مربوط به صنایع دستی، صنایع روز و صنایع آینده قرار می گیرند. در مراکز بررسی نیاز با رسیدن به شناخت و آگاهی از فاصله های علمی و تکنولوژیکی، زمینه و بستر لازم برای جبران کمبودها و تلاشهای مضاعف برای رسیدن به دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی در سطح بین المللی به عمل می آید. کاملاً روشن می باشد که برای رسیدن به اهداف مورد نظر، همکاری و مساعدت دولت نیز از هر نظر لازم و ضروری خواهد بود. دولت کره جنوبی با پرداختن به یک مدلی مشابه و پدید آوردن Kist یا «انستیتوی علم و تکنولوژی کره» توانست صنایع خود را به سطح رقابتی با ملل دیگر برساند و مسلماً با مدل ارائه شده در نمودار شماره ۱ نیز در کشور ایران میتوان با داشتن نقشه راه ارائه شده در پیمودن فراز و نشیب کار و کارآفرینی و در نهایت در رسیدن به اهداف توسعه و توسعه پایدار به موفقیت های لازم دسترسی پیدا کرد. در عصر تغییر و تحول مقاومت در مقابل تغییر و تداوم کار در مراکز علمی و صنعتی با روشهای موجود چندان امیدوار کننده نبوده و نمی تواند نیازهای صنعت و بازار کار برای نیروهای فارغ التحصیل از مراکز علمی را تأمین نماید. بایستی بپذیریم که تحول مدیریت لازمه مدیریت تحول است. یعنی سازمانی که در شرایط تحول قرار دارد نیازمند مدیریت تحول یافته است و لازمه تحول مدیریت، رشد فردی و سازمانی مدیران آن است [۷].

کاملاً روشن می باشد که با برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی و با تکیه بر استعداد سرشار نیروهای جوان و برخورداری از منابع طبیعی و بویژه ذخایر موجود انرژی نه تنها نباید مشکل بیکاری در کشور ایران وجود داشته باشد بلکه بایستی برای رقابت با کشورهای پیشرفته، متخصصین کشورهای دیگر در جزو متقاضیان برای کار در پروژه های تولیدی و توسعه ای جذب بازار کار در ایران شوند. رسیدن به یک چنین هدفی نیاز به عزم ملی دارد و مسلماً با خردگرایی و حاکمیت نگرش سیستمی نائل آمدن بر چنین اهدافی را نباید دور از تصور تلقی نمود. مطالعه مقالات دیگر از نگارنده در این زمینه از (۸-۱۷) قابل توصیه می باشد.

## ۵- نتیجه گیری و پیشنهادات:

- ۱- کارآفرینان بیشتر صفات رهبران را دارا می باشند. تئوریهایی بر مبنای مشخصات کارآفرین بطور فزاینده مورد توجه و سؤال می باشد. کارآفرینان اغلب در نقطه مقابل مدیران که بیشتر علاقمند به انجام کارها با روشهای معمول و کمتر ریسک پذیر می باشند، قرار دارند.
- ۲- توسعه در زمینه IT پیشرفتهای خارق العاده را در زمینه ارتباطات و گردش اطلاعات بوجود آورده است که شاید یک قرن پیش حتی تصور آن نیز می توانست غیرممکن باشد.
- ۳- در کشور ما نظام آموزش دهنده دانشگاهها، افرادی را پرورش میدهند که فقط می توانند شکافهای شغلی بسیار تعریف شده را پر کنند و بنابراین باید حرکتی عظیم در راستای کارآفرینان در دانشگاهها به عنوان قطب علمی کشور صورت گیرد. این به معنای اتصال دانشگاه با صنعت و تکنولوژی است.
- ۴- جهانی شدن بازارها، تشویق و پشتیبانی از کارآفرینی در کشورها را به عنوان امری ضروری ساخته است. ایجاد مرکز و جایگاهی برای کارآفرینان که منابع تولید ثروت می باشند به سود جامعه است.
- ۵- در نمودار شماره ۱ و در طرحی نوین، دانشگاهها و مراکز بررسی نیاز با ارتباط تنگاتنگ با مراکز علمی و صنعتی بین المللی ضمن تلاش برای رسیدن به سطح علمی ممالک توسعه یافته، تکنولوژیهای موجود در صنایع دستی، صنایع روز و صنایع برنامه ریزی شده در آینده را به دقت بررسی و با نگرش سیستمی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده ضمن جبر ان نارسائیهها اقدام به ابداع و نوآوری می نماید. تکنولوژیهای بالا، با تولیدات محصولات جدید اهداف توسعه را تأمین و در نهایت میتواند به توسعه پایدار بیانجامد.
- ۶- تحول مدیریت لازمه مدیریت تحول است. یعنی سازمانی که در شرایط تحول قرار دارد نیازمند مدیریت تحول یافته است و لازمه تحول مدیریت، رشد فردی و سازمانی مدیران آن است.

- 1 ) lab The Economist , March 11 , 2006 , PPG7 .
- 2 ) Drucker , P . ( 1970 ) " Entrepreneurship in Businss Enterprise " , Journal of Business Policy , Vol 1 , 1970 .
- 3 ) Knight , K . ( 1967 " A Descriptive Model of the Intr – Firm Innovation Process " Journal of Business of the University of Chicago , Vol 40 , 1967 .
- 4 ) www . Fekreno . ORG .
- ۵ – مردیث ، جفری و دیگران ، کارآفرینی ، انتشارات دفتر بین المللی کار ، مترجم محمد صادق بنی ثیان ، موسسه کار و تأمین اجتماعی ، تهران ، ۱۳۷۱ ص ۱ .
- ۶ – ادیب محمد حسین ، ایران و سازمان تجارت جهانی ، ناشر مولف ، اصفهان ۱۳۸۰ .
- ۷ – تسلیمی ، محمد سعید ، مدیریت تحول سازمانی ، ناشر سمت ، تهران ۱۳۷۸ .
- ۸ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( سیکل S.T.R و نقش آن در ارتقاء علمی و روزآمد کردن اطلاعات متخصصین در صنعت )) مقاله ارائه شده در دومین کنگره سراسری توسعه ارتباط صنایع با مراکز آموزشی مهر ماه ۱۳۷۳ .
- ۹ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( بررسی فعالیت‌های کارکردی متقابل دولت دانشگاه و صنعت در سیکل فکر ، طرح اجراء )) I . A . E . D )) مقاله ارائه شده در سمینار همکاری‌های دولت ، دانشگاه ، صنعت ، تهران دانشگاه امیرکبیر ۲۲ – ۲۴ آذرماه ۱۳۷۴ .
- ۱۰ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( نظریه زمان فاکتور گمشده در مکان و حرکت )) ، مقاله ارائه شده در سمینار علم لجستیک و کاربرد آن در سازمان ، تهران – دانشگاه امام حسین ۱۲ و ۱۳ دیماه ۱۳۷۴ .
- ۱۱ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( نظریه مدیریت مثلثی برای جایجائی T.M.T )) ، مقاله ارائه شده در سمینار مدیریت و رهبری در سازمان تهران ۱۳۷۵ .
- ۱۲ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( نظریه بایدها و نبایدها در تحقیق و توسعه )) ، مقاله ارائه شده در سمینار تحقیق و توسعه در واحدهای صنعتی وزارت صنایع ، مشهد ۶ و ۷ آذر ۱۳۷۵ .
- ۱۳ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( نظریه توان در محدودیت ناتوانی )) ، مقاله ارائه شده در نخستین کنگره تخصصی استاندارد و بهبود کیفیت در صنعت خودرو ، کرج مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران ، ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ آذرماه ۱۳۷۵ .
- ۱۴ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( تئوری ارتباطات با مثلث مدیریت )) مقاله ارائه شده در چهارمین کنگره سراسری همکاری‌های دولت ، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی ، دانشگاه صنعتی امیرکبیر ، تهران در مورخه ۷۷/۲/۳۱ .
- ۱۵ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( نظریه محدودیت‌ها در دست آوردهای آموزش عالی )) ، مقاله ارائه شده در سمینار (( نقش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در رشد و توسعه کشور )) تبریز دانشگاه آزاد اسلامی ۷۶/۱۲/۱۷ و ۷۶/۱۲/۱۸ .
- ۱۶ – ساحتی‌مهر ، عظیم ، (( معرفی سیکل S.E.R و کاربرد آن در دانشگاه جامع تکنولوژی )) ، مقاله ارائه شده در سمینار بین‌المللی – آموزشهای علمی ، کاربردی فنی و حرفه‌ای دانشگاه تهران ۲ – ۴ خرداد ۱۳۷۳ .
- 17 – Sahatimehr – Azim – ( IT ) management in the organizations of the Developing countries . IRMA conference , Vancouver , Canada 19-23 May 2007 .